



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگوس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف

تلفن: ۸۸۶۵۸۵۷۵ – ۸۸۶۵۴۳۹۲ – شماره: ۸۸۶۵۴۳۹۲

توزیع: شرکت نوآوران جهان رسانه ایرسا – تلفن: ۸۸۸۲۳۳۹۰

امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق

چاپ گلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹ تلفن ۶۶۸۲۳۳۴۶



سال پنجم • شماره پیاپی ۱۰۸۶ • شماره ۱۶۲ دوره جدید • پنجشنبه ۲۲ مهر ۱۳۸۹ • ۲۶ ذیحده ۱۴۳۱ • ۱۴ اکتبر ۲۰۱۰

آخر

صد پیشنهاد: علیه یک پیشنهاد

اصل یا بدل، مساله این است

شهرام مکر



صدپیشنهاد من در واقع یک صدپیشنهاد به مفهوم رایج نیست بلکه می‌خواهم بر ضد یک «پیشنهاد» بنویسم. این روزها چه در محافل دوستانه چه در فضای اینترنتی و گاهی حتی در نوشته‌های رسمی مطبوعات با رویکرد عجیبی مواجه شدم.ام عدای با دلایل سیاسی، فرهنگی و... می‌خواهند نادیده گرفتن حقوق مولف را توجیه کنند به صورت مشخص این فضا درباره سریال «قهوه تلخ» میزبان مدبری به وجود آمده. این روزها در جامعه ما از هر حرکتی برداشت سیاسی می‌شود. این موقعیت گاهی به نفع یک جامعه است و گاهی به ضرر آن. حالا عدای به خاطر یک قرار ملاقات که از آن برداشت سیاسی شده، می‌گویند بهتر است سریال «قهوه تلخ» را از مجاری غیرقانونی تهیه کنیم. عده دیگر به صحبت‌های کارگردان سریال درباره رعایت قانون کپی‌رایت و حقوق مولف اشاره می‌کنند و می‌گویند پس چرا خودش در مورد ترانه تیتراژ ابتدای سریال حقوق مولف را رعایت نکرده است، پس ما هم حقوق کارگردان را رعایت نمی‌کنیم و سریال «قهوه تلخ» را به صورت غیرقانونی تهیه می‌کنیم. بعضی‌ها به مدت‌زمان پخش سریال اشاره می‌کنند و می‌گویند زمانی که سریال پخش می‌شود با مدت‌زمان روی جعبه مقوایی سی‌دی‌ها برابر نیست، پس بایاید

خارج از محدوده: آمار رسمی دانش آموزان معناد تهیه می‌شود

آغاز نگرانی‌ها

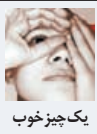
شیرزاد عبداللهی



برای نخستین‌بار تحقیق رسمی درباره شیوع اعتیاد در میان دانش آموزان در حال انجام است و به‌زودی نتایج آن اعلام می‌شود.مدیرکل دفتر سلامت وزارت آموزش و پرورش با اعلام این خبر گفت: «مار ۳۰ هزار دانش آموز معناد که از سوی ستاد مبارزه با مواد مخدر منتشرشده، چندان دقیق نیست» اگر آمار رسمی بر اساس ملاحظات گوناگون، تهیه و منتشر شود، می‌تواند برنامه‌ریزی جیت پیشگیری و درمان آسیب‌هایی مانند ایدز، اعتیاد و مشکلات جنسی دانش آموزان را امکان‌پذیر کند.آمارهایی که در مورد آموزش معلمان و دانش آموزان و خانواده‌ها از سوی آموزش و پرورش تاکنون اعلام شده، از لحاظ کمی و کیفی قابل تأمل است. ضیاءالدینی درباره چاپ کتاب مهارت‌های زندگی که از دو سال پیش مطرح است، گفت: «برغم تأکید ما، این کتاب در سازمان پژوهشی و برنامه‌ریزی آموزشی به چاپ نرسید. این کتاب که درباره دوران بلوغ و بهداشت

ایرانی‌ها و یوسا

س.محمود حسینی‌زاد



فکر می‌کنم یکی خود «یوسا» و خانوادهاش، یکی پروپی‌ها، یکی هم ما ایرانی‌ها خیلی شاد شدیم که یوسا برنده نوبل امنی شد. آن دو گروه اول را نمی‌دانم چه عکس‌العمل‌هایی نشان دادند، اما ما باز با عکس‌العمل‌هایمان نشان دادیم که ای بابا!...

حتماً در این چند روز اظهارنظرها را خوانده‌اید. تکرارش بی‌معنی است.

اما چند تا پرسش در ارتباط با اظهارنظر خانم‌ها و آقایان محترم:

اول: «یوسا» نویسنده بزرگی است بلاشک... اما چرا دیگران را تخطئه می‌کنیم؟ مگر ما «اورهان پاموک» را درست و درمون خوانده‌ایم؟ مگر «گونتر گراس»، «هارولد پینتر»، «ایمر گوترز» را دوره کرده‌ایم؟ مگر توانسته‌ایم حتی اندکی از زبان و دنیای غریب «الفریده یلینک» را بخوانیم و درک کنیم که چنین عباراتی را صادر می‌کنیم؟ در این ۱۲۰، ۱۳۰ سال اخیر نوبل آبروی خودش را برده و حالا بازجازه به یوسا آن را حفظ کرده است؟»

دوم: چرا هر وقت نویسنده بزرگی که ما نمی‌شناسیم جایزه بزرگی می‌برد، انواع حدس و گمان‌ها را به زبان می‌آوریم که «سیاسی‌بازی شده»، «حتماً آمریکایی‌ها دخالت کرده‌اند»، و... اما در مورد یوسا (که تکرار کنم نویسنده بزرگی است و به حقش رسیده است) مطرح نکردیم که «خب، حتماً چون مخالف قسم‌خورده کمونیسم است و کوبا؟»

سوم: چرا از خودمان نمی‌پرسیم که قرار است جایزه نوبل و اصولاً جایزه‌ها تقدیر کنند یا تشویق؟ اگر تقدیر است که خب، کمیته خیلی خوب جایزه داده است اما اگر تشویق است آیا جایزه، بیشتر حق کسانی نیست که در میانه راهند و آینده را پیش‌رو دارند؟ مثل اورهان پاموک و هرتا مولر و الفریده یلینک؟ و نه حق کسانی که شاهکارهایشان مال ۳۰، ۴۰ سال پیش است؟ آیا بهتر نبود اگر مثلاً «هوراگامی» برنده می‌شد؟

چهارم: اگر مثلاً «فیلیپ راث» که سال‌هاست خیلی از نام‌آوران دنیای ادبیات منتظر برنده شدنش هستند، برنده می‌شد، همین قدر ذوق می‌کردیم؟ یا چون چند کار از «یوسا» خوانده‌ایم، ذوق کرده‌ایم؟ طبیعی است که خیلی‌ها منتظر بودند «یوسا» برنده شود. حق این نویسنده بزرگ که بنا به گفته آنها که بیشتر می‌شناسندش یک روشنفکر تمام‌عیار است، بود که برنده شود، اما چرا دیگران را خراب کنیم؟

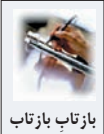
به قول رایسکی، منتقد خیلی معروف و خیلی سنگینر ادبی در آلمان، «جایزه خیلی عادلانه داده شده، اما دیگر «یوسا» را با «فلور» قیاس نکنید.»

کیارستمی در جشنواره بوسان:

به‌طور طبیعی تر جیع می‌دهم به زبان مادری‌ام فیلم بسازم

عباس کیارستمی کارگردان ایرانی برنده نخل طلای کن در جشنواره بوسان اعلام کرد، در شرایط فعلی امکان ساخت فیلم به زبان مادری‌ام وجود ندارد. به گزارش ایسنا عباس کیارستمی که امسال مدیر برنامه آموزش فیلمسازی پانزدهمین جشنواره فیلم بوسان است، دیروز در حاشیه معتبرترین رویداد سینمایی آسیا ابراز عقیده کرد با توجه به شرایط، مجبور است در خارج از ایران به فیلمسازی ادامه دهد. وی گفت: «شرایط فعلی در ایران موجب ناراحتی من شده، اما از آنجایی که می‌خواهم فیلمسازی را ادامه دهم، باید این شرایط را بپذیرم.»

تهران : اذان ظهر ۱۱:۵۰ اذان مغرب ۱۷:۴۹ اذان صبح فردا ۴۷:۴۰ طلوع آفتاب ۱۱:۰۶



درباره‌ی «الف» مقصوره

فرهنگستان وقت!

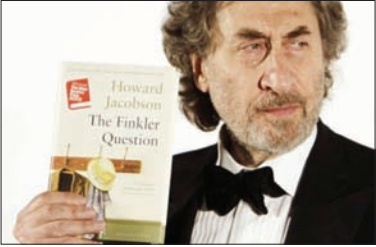
جعفر مدرس صادقی



جناب آقای علی صلح‌جو در یادداشتی که روز سه‌شنبه ۶ مهر ۱۳۸۹ در این صفحه چاپ شده است درباره نقل قول‌های این‌ جانب از احمد همنیار و ملک‌الشعرا یهار و پیشنهاد آنان به فرهنگستان در مورد به جای «الف»، مقصوره، نذرت داده‌اند که این ادعا که فرهنگستان به این دو پیشنهاد اعتنایی نکرده است نادرست است و از «هستور خط فارسی» فرهنگستان زبان و ادب فارسی چاپ ۱۳۸۸ شاهد آوردند که فرهنگستان به کار بردن «الف» کمل را به جای «الف» مقصوره بااستثنائاتی پذیرفته است. لازم می‌دانم به ایشان و خوانندگان عزیز یادآوری کنم که احمد همنیار پیشنهادش را در سال ۱۳۲۱ مطرح کرده و مقاله‌ی ملک‌الشعرا یهار در سال ۱۳۲۸ به چاپ رسیده است و واضح‌ست که مخاطب آنان فرهنگستان وقت بوده‌است و نه فرهنگستان این‌زمان ومنظور از فرهنگستانی که «به‌این دو پیشنهاد اعتنایی نکرد» همان فرهنگستان است که به «فرهنگستان ایران» و «فرهنگستان آل» معروف است (که در سال ۱۳۱۴ تأسیس شد و تا سال ۱۳۳۳ به کارش ادامه داد) و نه «فرهنگستان زبان و ادب فارسی» (که در سال ۱۳۴۹ تأسیس شده است).

تفاوت دو جهان

هاوارد جاکوبسن بوکر ۲۰۱۰ را به خانه برد شکست غول‌های ادبی از یک نویسنده طنز



«هاوارد جاکوبسن» نویسنده انگلیسی سه‌شنبه‌شب جایزه ادبی بوکر را از آن خود کرد، این در حالی است که در میان نامزدهای امسال از کتاب‌های او «فانکشنز» نامزد شد.

■ **جایزه شوخی شوخی به من رسید**

هاوارد جاکوبسن با کتاب «مساله فینکلر» که جایزه‌ای را برد که به قول خودش ۱۵ سال پیش در یک شب زمستانی متن سخنرانی آن را نوشته بود و همه این سال‌ها منتظر بود که روزی هیات داوران بوکر اسمش را آن بالا صدا کنند او استاد نوشتن رمان‌های کمدی و شخصیت‌هایی سرشار از بلاغت نام گرفته است. جاکوبسن پس از رفتن روی سن تالار گیلد در لندن گفت: «بایم بند آمدها خوشبختانه متن سخنرانی را قبلاً آماده کردم. سال ۱۹۸۳ نوشته شده، خیلی وقت بعد منتظر بودم، من از همان اول که شروع به نوشتن کردم دوست داشتم این جایزه را ببرم. البته می‌دانستم تنها کسی نیست که این جایزه را فوق‌العاده می‌دانند، این بود که نگاه من به دانستن‌نویسی طوری شد که انگار هرگز موفق به کسب جایزه «من بوکر» نمی‌شوم.انگار حالا هم این جایزه شوخی‌شوخی به من رسیده است.» وی سپس به شوخی گفت که می‌خواهد ۵۰ هزار پوند این جایزه را صرف خرید کیف دستکی برای همسرش کند و بعد از حضار پرسید: «شما می‌دانید قیمت یک کیف‌دستی چقدر است؟» تاکنون دو بار نام این نویسنده در فهرست اولیه نامزدهای این جایزه ۸۰ هزار دلاری قرار گرفته، اما هیچ وقت نامش به فهرست نامزدهای نهایی راه نیافته بود. این نویسنده ۵۸ ساله که ۱۵ رمان از او به چاپ رسیده به‌دلیل طنز جاری در آثارش شهرت دارد. او موضوع رمان آخرش را غم و از دست دادن عزیزان خواند. وی گفت: «می‌خواستم خواننده همزمان بخندند و گریه کنند.» این رمان اولین رمان طنزآمیزی است که در طول ۴۲ دوره برگزار می‌شود. بوکر موفق به دریافت این جایزه شده است.

■ **بوکر برای یک آدم خوشبخت**

«سر اندرو موشن» رئیس جایزه بوکر با ابراز شگفتی از برنده شدن جاکوبسن گفت: این نویسنده برای اولین‌بار در فهرست نهایی قرار گرفته بود اما هر حال چون لیاقتش را داشت پس نوبت او بود. وی افزود: به ذهن ما هم خطور نمی‌کرد که او جایزه بگیرد اما با این حال افتخار ویژه‌ای است، که ببینیم یک آدم خوشبخت به آنچه شایسته‌اش است، رسیده است. «اندرو مورفی» داور این جایزه اثر مساله فینکلر را یک اثر بزرگ توصیف کرد و افزود: «رمان «مساله فینکلر» کتابی معرکه است، در عین حال بسیار هوشمندانه، غم‌انگیز و باطنرافت هم هست، همه اینها و خیلی بیشتر از اینها هم هست.»

عدای با راسبدین این جایزه به هاوارد جاکوبسن موافق نیستند اما معتمدان او خیلی بیشتر به دلیل ترکیب نمره‌به‌فرد فکر و سرگرمی در نوشته‌هایش باید بپذیرد این جایزه می‌شد. جاناتان روپین منتقد و یکی از مسوولان کتابفروشی بزرگ فویلر در لندن گفت: «او به‌طور مداوم با درجه یک می‌نویسد، او نمونه بارز و ارزشمند این ادبی است که سرگرمی و تفکر با هم منافاتی ندارند.» دو رمان هاوارد جاکوبسن به نام‌های «شبه‌های کلوی» در سال ۲۰۰۶ و «حالا چه کسی متاسفه؟» در سال ۲۰۰۲ در میان فهرست اولیه نامزدهای این جایزه بودند.

■ **رقبای قدر برای جایزه ۸۰ هزار پوندی**

جاکوبسن برای بردن این جایزه رقبای جدی داشت: پتر کری از استرالیا که در سال ۱۹۸۸ با رمان «اسکار و لوسیندا» و سال ۲۰۰۱ با «تاریخ حقیقی گنگ کلی» برنده این رمان شده بود. پتر کری با رمان تاریخی «طولی والیور در امریکا» که با الهام از زندگی الکسی دوتوگول فیلسوف فرانسوی نوشته شده در میان نامزدها حضور داشت.تام مک‌کارتی نویسنده انگلیسی هم یکی از چهاره‌ای محبوب این روزهای محافل ادبی است. او با رمان تجربی «سی» در مورد زمان و فناوری در میان نامزدها بود. این رمان که با «ولیس» جیمز جویس مقایسه شده داستان مردی معمولی در قرن بیستم را روایت می‌کند که دیوانه فناوری است. «تات» نوشته «ما دونو» کاندالای-ایرلندی و روایت پسر و مادری که در اتاقی زندانی شدند، «در اتاقی غریب» نوشته دیمین گالگو از آفریقای جنوبی و «آواز بلند» نوشته اندرا لوی که برای «جزیره کوچک» شهرت دارد، دیگر نامزدهای جایزه «من بوکر» بودند.

گزارش آخر: جشنواره فیلم کودک پایان یافت

پروانه زرین بهترین فیلم برای «نخودی»



بچه‌ها از سن‌شان جلوتر هستند

در بخش دیگری از این مراسم از رایعه مدنی (مادر امیرشهاب رضویان) که برای اولین‌بار در فیلم ویدئویی «تابستان عزیز» به ایفای نقش پرداخته بود، دعوت شد تا برای اعطای جوایز بازیگران کودک به روی سن برود. دیپلم افتخار بهترین بازیگر دختر بازیگران به «آرمیتا مسرادی بازیگر نقش ریحانه برای فیلم «خواب‌های دنباله‌دار» اهدا شد. امیرشهاب رضویان هم هنگام دریافت جایزه ویژه هیات داوران برای فیلم «تابستان عزیز» به طنز گفت: «طی این روزهای خالی‌های وقتی من را همراه مادرم می‌دیدند، می‌گفتند شما چقدر شبیه هم هستید و مادرث فقط سیبل تو را ندارد. حال من برای اینکه شما در این باره قضاوت کنید جایزه‌ام را به مادرم تقدیم می‌کنم.» او همچنین به عباس عیسی پژوهشگر همدانی که چندی پیش از دنیا رفته، یاد کرد. پروانه زرین بهترین فیلمنامه به ناصر رفائی برای فیلمنامه «خانه امن است» اهدا شد و داوران کودک و نوجوان به بازیگر فیلم «شکارچی شبیه» محمدجواد جعفرپسور دیپلم افتخار اعطا کردند. قاسم جعفری کارگردان «دختران» که پروانه زرین بهترین فیلم داوران کودک و نوجوان را دریافت کرد، گفت: «این اولین جایزه این فیلم است چرا که هیچ جشنواره‌ای آن را نمایش نداد. باور نمی‌کردم که این فیلم اینچنین مورد توجه کودکان و نوجوانان قرار بگیرد، چرا که حتی در زمان اکران هم آن را با محدودیت سنی به نمایش درآوردند.» علیرضا سجادیور هم به صحبت‌های قاسم جعفری اشاره کرد و گفت: «ما در آکران عمومی فیلم «دختران» و ا برای مخاطبان بالای ۱۲ سال در نظر گرفته بودیم، اما اکنون با توجه به توجهی که در جشنواره به این فیلم شده، فکر می‌کنم لازم است ما هم سنی را که اعلام می‌شود تقلیل دهیم، چرا که گویی بچه‌ها از سن‌شان جلوتر هستند.» به گزارش ایسنا، این مراسم با حضور سینماگران، مدیران سینمایی و جمعی از مسوولان استان همدان با اجرای آزاده نامداری برگزار شد.

پیشهاد: نمایش «هملت –ماشین»

کابوس‌های روشن در تالار سایه

امیر پوریا

amirpouria@gmail.com



السیونر فراتر می‌رود و «مردم» را در نظام‌های استبدادی نمایندگی می‌کند که حتی با متناهی در سر تمام نمی‌شوند، به روشنی مفهوم غایی اثر را رقم می‌زند، بازیگران این دو نقش، زرگار خاطری (نامی به همان اندازه عجیب که متن مولر و اجرای حسینی‌مهر) و بهار کاتوزی سیر تدریجی عزیمت این فرد / قهرمان کلاسیک به سوی نمایند/ قربانی دوران پستمدرن را خوب دریافت و اجرا کرده‌اند و جلوه‌های صوتی و موسیقایی و نوری و رنگی در طول اجرا، به واقع کابوسی هولناک می‌سازند که با نظر به روشنی معناها و احساس‌های نهان در کار، از صرف کابوس واگسی- مانند برخی کارهای نامتعارف آتیل پساپانی در مقام کارگردان، مثل «گگ خاوبیده»- می‌گذرند و تاثیرشان با معنافرینی درمی‌آمیزد. وقتی اقلیا در پایان اعلام می‌کند به الکترایی دگرپرسی یافته که دیگر سکوت اختیار نمی‌کند و حرف و بلکه فریاد می‌زند، آن بخش پیشتر مبهم اثر که با اشاره‌های هملت به بازیگر بودن خودش و هوراشیو و مادرش و به خود نمایشنامه‌سکسپیر و محیط و موقعیت‌هایش همراه بود، تازه به بار می‌نشیند: این جهانی است که نمایش‌های دوران کلاسیک حتی تصویری هم از آن نداشته‌اند. حالا خودکشی نکردن اقلیا و جور دیگر شکستج شدنش برای من یادآور آن شوخی اروپایی است که می‌گوید همیشه برای خودکشی زود است.

پای‌پیاده: اعتراض

وای... هنوز آماده نبودیم

سروش صحت



کار رو بکنم،» پرسیدم: «چرا؟» برادرم گفت: «برای اینکه به شما هم اعتراض دارم.» گفتم: «چه ما؟» به دیگه چرا؟» برادرم گفت: «تو یکی دیگه حرف بزنی که اتفاقاً به تو بیشتر از همه اعتراض دارم.» گفتم: «چه اعتراضی؟» گفت: «هرده‌شور خودتو و اون ستون بی‌مژت رو بربن که از سگ و گربه و کلاغ و گنجشک توش می‌نویسی ولی یک دفعه کی بالاخره به درد بخور اونجا نمی‌نویسی.» از دوستم پرسیدم: «من چیز به درد بخور نمی‌نویسم؟» دوستم گفت: «نه.» از دوست دوستم پرسیدم: «نظر تو چیه؟» دوست دوستم گفت: «بخشید ولی نظر من هم همین» چون ادم انتقادپذیری هستم، بلافاصله انتقادها را پذیرفتم و به برادرم گفتم: «گه قول بدم این هفته به مطلب به درد بخور بنویسم، می‌بای پایین؟» دوستم گفت: «بخواد بیاد هم دیگه نمیشه، چون تکون بخوره زیر پاش شاخه می‌شکنه.» برادرم گفت: «آقا» فوشته «ما دونو» بالاخره باید به راه برگشتی هم باشه.» دوست دوستم گفت: «ها سه تا این زیر وامیستیم، تو ببر پایین، ما می‌گیرم.» برادرم هم بدون معطلی پرید پایین، ولی چون هنوز هیچ کدام ما آماده نبودیم، نگرفتمیش.

«عجیب». حالا و در این دوره از تاریخ هنرهای نمایشی و روایی، بعد از سورتالیسم، بعد از مارسل دوشان و انس‌دی وارهل و ژان لوک گدار، بعد از گذشت ۳۵ سال از نخستین‌بار که چارلز جنکر تعبیر «پستمدرنیسم» را در وصف معماری به کار برد، حالا دیگر به چه می‌توانیم بگوییم «عجیب»؟ و

اساساً اگر چیزی، پدیده‌ای در بخشی از محصولات هنر امروز به نظرمان عجیب جلوه کند، به واقع و در ماهیت خودش عجیب است یا کم دیدن و کم شناختن ماست که موجب شده همچون آویی را تجربه و مشاهده نکرده باشیم و «عجیب»‌اش بخوانیم؟ معتمد حتی اگر این کم شناختن – مانند من که پیش از این کار آقای هاینر مولر نمایشنامه‌نویس فقید آلمانی را نمی‌شناختم- به عنوان یک کاستی وجود داشته باشد، باز آنچه اجرای نمایش «هملت- ماشین» به کارگردانی ناصر حسینی‌مهر را متمایز و «عجیب» جلوه می‌دهد، این نیست که ما پیشتر این نوع کار را نداشتیم، بلکه ماهیت و ذات متن و اجراست که مثلاً در اروپای غربی که مرکز تجربه‌های ندیده و تشنیده تئاتر است هم عجیب خوانده خواهد شد. اما مهم‌تر این غراب برای من آن است که برخلاف اغلب تجربه‌های نامتعارف تئاتر فاقد پیرنگ مشخص و متکی به فضاسازی و تصویرسازی و کلاژ و ارجاعات بینامتنی در این سال‌ها، این کار نه فقط به عنوان یک تجربه، بلکه به همان میزان که از کاری روایی و رایج انتظار داریم، قابل درک است و در انتها مخاطب را بدون آن سرخوردگی که حاصل مکرر آثار عمداً مهم است، به راهروهای خروجی تالار سایه می‌فرستد. اینکه از هملت آن روزگار کلاسیک و دغدغه‌هایش امروز چه مانده، رفته‌رفته او را از یک شاهزاده انتقامجوی دربار نامدار که

با شرکت:

امین حبایی،

بهاره رهنما،

اندیشه فولادوند،

شیدا خداداد، سروش صحت،

امید روحانی، کیانوش گرامی

مدیر فیلمبرداری: تورج اصلائی

محصول سیران فیلم

پخش از فیلمیران

برنامه سینماهای :

آفریقا ، آزادی ، پردیس ملت ، اریکه ایرانیان ، پردیس زندگی ، ایران ، صحرا ، فلسطین ، پردیس تابشا ، پایتخت ، موزه سینما ،

جوان ، مرکزی ، کارون ، گلریز ، جی ، حافظ ، پیوند ، ناهید ، ماندانا ، ققنوس و فرهنگسراهای نیواوران و ایرانیان